

اصل تناسب در اتخاذ تحریم‌های اقتصادی

اکبر ادیبی *

همایون حبیبی **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/cilamag.2017.25170

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

چکیده

یکی از موضوعاتی که امروزه در مبحث تحریم‌های اقتصادی، توجه حقوق‌دانان را به خود جلب کرده، مسئله مرزهای مشروعیت این اقدام است. در این قالب، مسئله «تناسب» در اتخاذ تحریم‌های اقتصادی، نکته‌ای کلیدی به نظر می‌رسد. اصل تناسب به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی می‌تواند در تعیین قانونی بودن یا نبودن تحریم‌های حقوقی، نقش مهمی بازی کند. با این حال، ابهامات این مفهوم، همچنان زمینه را برای سوءاستفاده دولت‌های زورمند جامعه جهانی باز گذاشته است. این مقاله با بررسی این دو مفهوم می‌کوشد تا تصویری روشن و به‌روز در خصوص این بُعد از تحریم‌های اقتصادی ارائه دهد و در عین حال، تأکیدی برای قابلیت اجرایی این اصل در تحریم‌های جمهوری اسلامی داشته باشد. در این مقاله، با تکیه بر آرای قضایی و رویه دولت‌ها، تلاش شده است تا به‌دور از رویکردهای سیاسی، تصویری حقوقی از موضوع ارائه شود.

واژگان کلیدی

تحریم، حقوق بین‌الملل اقتصادی، اصل تناسب، مشروعیت تحریم‌ها، اقدام متقابل

a.adibi@yahoo.com

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

** نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی مدعو دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
h_habibi@atu.ac.ir

مقدمه

از آغاز قرن بیست‌ویکم تا کنون، بحث بر سر «تحریم‌های اقتصادی» و غیرقانونی بودن یا قانونی بودن آن، مسئله روز و موضوع «تحریم‌ها»، یکی از جدل‌برانگیزترین موضوعات حقوق بین‌الملل شده است. هنوز هم عده‌ای تحریم اقتصادی را از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی می‌دانند. برخی نیز بر این باورند که تحریم اقتصادی، جایگزین مناسبی برای ضمانت‌اجراهای نظامی است. با این حال، کمتر کسی را می‌توان یافت که منکر مضار جدی تحریم‌ها، چه به صورت یک‌جانبه یا چندجانبه باشد.^۱ در حقیقت، تجربه ثابت کرده است که اعمال تحریم‌های اقتصادی، همواره یکی از بهترین ابزارهای تحمیل ارزش‌های بین‌المللی به کشورهای دنیا نیست. چهار دهه اول فعالیت سازمان ملل در رودزیای جنوبی در سال ۱۹۶۶ میلادی و آفریقای جنوبی در سال ۱۹۷۷، اوج قدرت‌نمایی این سازمان در خصوص اعمال ضمانت‌اجراهای اقتصادی منشور سازمان ملل متحد بود. با این حال، تحریم‌ها در بعضی کشورها از جمله عراق، یوگسلاوی سابق، لیبی، سومالی، لیبیا، کامبوج و بوسنی و هرزگووین چندان کارساز نبود، چرا که میزان مخاصمات و نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، همچنان تا مدت‌ها ادامه یافت.^۲

در این میان، ابعاد اخلاقی تحریم، همچنان صورت مسئله را پیچیده‌تر کرده است: تحریم‌های اقتصادی در حال حاضر، علیه دولت‌هایی که هنجارهای اخلاقی بین‌المللی را رعایت نمی‌کنند اعمال می‌شود، از جمله در رودزیا و آفریقای جنوبی به خاطر استمرار نظام آپارتاید، و تحریم‌های تجاری علیه صربستان که عکس‌العمل جامعه بین‌المللی به خاطر تشدید جنگ داخلی یوگسلاوی سابق بود. ولی در حال حاضر به جهت گسترش و جهان‌شمول بودن منزلت حقوق بشر، جامعه بین‌المللی به سمتی سوق داده می‌شود تا با دولت‌هایی که حقوق شهروندان خود را در حوزه داخلی نقض می‌کنند برخورد کند و در این راستا این تفکر ایجاد شده است که تا زمانی که جنگ به دلیل عواقب وحشتناک آن نمی‌تواند گزینه قابل قبول باشد، اعمال تحریم‌های اقتصادی، راه‌حل مقبول است. در واقع، برخی بر این باورند که تحریم اقتصادی نشان از همبستگی جامعه بین‌المللی برای به‌کرسی نشاندن اعتبار پاره‌ای از مقررات بین‌المللی از جمله قواعد آمره^۳ و تعهدات عام‌الشمول^۴ حقوق بین‌الملل است.^۵

۱. در این مورد برای مثال، ن.ک:

- Ernst, Fehr & Bettina Rockenbach, "Detrimental Effects of Sanctions on Human Altruism", *Nature* 422, March 2003, pp. 137-140.

۲. برای مثال در مورد عدم کارایی این تحریم‌ها، ن.ک:

- Meghan L. O'Sullivan, *Shrewd Sanctions*, Brooking Institutions Press, Washington D. C, 2003, p. 138.

۳. *Jus Cogens Obligations*

۴. *Erga Omnes Obligations*

با این حال، تحریم‌ها هنگامی مؤثر خواهد بود که همه‌گیر و جامع باشد و توافق همگانی راجع به اجرای آن اعمال شود؛ با این استثنا که صدمه به حقوق اولیه بشری ملتها وارد نشود. به همین جهت گفته شده است تا وقتی از موفقیت تحریم، اطمینان وجود نداشته باشد، نباید با اعمال آن، رنج و سختی برای اشخاص غیرنظامی فراهم آورد. شاید بر اساس همین ملاحظات بود که شورای امنیت به‌عنوان رکن اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در سطح جهان، در برابر انتقادات جدی در مورد استفاده از سازوکار تحریم‌های اقتصادی، در صدد برآمد تا گروه کاری را مأمور بررسی «رژیم مجازات‌های اقتصادی سازمان ملل متحد» کند.^۶ در واقع شورای امنیت، پس از یک دهه استفاده گسترده از مجازات‌های اقتصادی در روابط بین‌الملل - که برخی آن را به همین دلیل، «دهه تحریم»^۷ می‌نامند - تلاش می‌کرد تا حدی به تلطیف ابزاری بپردازد که از سوی برخی از گزارش‌ها حتی از استفاده مستقیم نیروی نظامی نیز ویرانگرتر دانسته شده بود.^۸

در همین راستا تلاش شده است تا اجرای این ابزار در حقوق بین‌الملل با رعایت برخی از محدودیت‌های ذاتی اعمال حقوقی همراه باشد. یکی از همین محدودیت‌ها، «اصل تناسب»^۹ است که باید لزوم رعایت آن را شرط قانونی بودن تحریم‌ها دانست. در واقع از منظر فلسفی، برخی برخورد متناسب با اعمال انسانی را شرط وجود علم حقوق دانسته‌اند و حتی تا آنجا پیش رفته‌اند که گفته‌اند اگر برخورد متناسب با خطاهای انسانی فراموش شود، مفهوم حقوق، انکار شده است و در همین سیاق است که از اصل تناسب به‌عنوان خاستگاه «حقوق بشر» یاد شده است.^{۱۰} اصل تناسب،

۵. استفاده از ابزار تحریم جهت جلوگیری یا مجازات ناقضین حقوق بشر پس از پایان جنگ سرد به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در دسترس شورای امنیت بوده، هرچند که عدم انطباق این تحریم‌ها با موازین حقوق بین‌الملل از جمله موازین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به‌ویژه در قضیه عراق، موجب اعتراضات و انتقادات فراوانی شده است. جهت مطالعه بیشتر، ن.ک: جمشید ممتاز؛ «انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، فصلنامه حقوق، شماره ۴، ۱۳۸۷؛ داوود منظور و منوچهر مصطفی‌پور؛ «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۲، ۱۳۹۲.

۶. برای بررسی این گروه کاری که در سال ۲۰۰۰ تشکیل شد، ن.ک:

-General Questions about Sanctions, S/PV. 4128, 17 April 2000.

7. Sanction Decade

۸. برای بررسی نظریات دکترین در این مورد، ن.ک:

-Cortright, O. & Lopez, G. A., *The Sanctions Decade: Assessing U.N. Sanctions in the 1990s*, (London, Blouder, 2000), p. 4.

9. The Principle of Proportionality

10. Hulsroj, Peter, *The Principle of Proportionality*, Spring Briefs in Law, 2013, pp. 14-15. Available in: <http://springer.com/series/10164>.

برای مثال، این نویسنده خاطر نشان می‌سازد:

"It may be argued that a criminal law system conditioned primarily by forward-looking proportionality."

اصلی حق مدار است^{۱۱} و به‌عنوان بخشی از چارچوب بزرگ‌تری از هنجارهای الزام‌آور حقوقی یعنی اصول کلی حقوقی شناخته می‌شود.^{۱۲} امروزه مفهوم تناسب در حقوق بین‌الملل، برای محدود کردن اعمال تحریم علیه دیگر کشورها بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اندیشه اقدام متناسب و ضروری را باید ذاتی هر اندیشه مرتبط با تنظیم روابط انسانی دانست. از آنجاکه حقوق به تنظیم عقلانی رابطه هر انسان با دیگری مربوط می‌شود، عقل حکم می‌کند تا هر رابطه انسانی به‌صورت متناسب و ضروری تعریف شود، تا این رابطه بتواند در طول زمان، قابلیت بقای خود را حفظ کند. از این نظر، تناسب به معنای وجود گونه‌ای توازن در روابط بین‌فردی است و از این رهگذر، رابطه‌ای مستقیم با مفهوم عدالت پیدا می‌کند. از نگاه فلاسفه حقوق، عدالت، با تناسب یعنی هماهنگی واحدهای یک کل، ارتباطی تنگاتنگ دارد.^{۱۳} بدون توجه به این امر، عدالت نمی‌تواند به‌عنوان اصل اجتماعی به حیات خود ادامه دهد. در همین ارتباط، کشورها نیز ملزم‌اند در روابط خود و از جمله در اعمال تحریم‌های اقتصادی، به این اصل بنیادین توجه کنند. مثال‌های متعددی در این مورد در آرای بین‌المللی به چشم می‌خورد. برای مثال، در پرونده ماهی‌گیری در خلیج سنت لوران در سال ۱۹۸۶ میان فرانسه و کانادا، دادگاه دآوری به‌صراحت اعلام کرد که «دولت‌ها به‌موجب اصول کلی حقوقی مکلف‌اند تا رفتار خود را متناسب با هدف مشروع خود قرار دهند».^{۱۴}

به‌هرحال، هنوز چه در تعریف و چه در محتوای این اصل در روابط حقوقی بین‌المللی شبهات زیادی وجود دارد. این مقاله در تلاش است تا با روشن ساختن مفهوم، محتوا و زمینه اجرای این اصل در ارتباط با تحریم‌ها، سهمی در روشن تر شدن بخشی از ابهامات موجود داشته باشد. در این راستا در قسمت اول مقاله سعی شده است تا محتوای اصل تناسب در روابط بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد و در قسمت دوم، ارتباط این اصل با محدودیت‌های حقوقی وارد بر تحریم‌های اقتصادی تحلیل شود.^{۱۵}

«می‌توان استدلال کرد که نظام حقوق کیفری در درجه اول، مشروط به رعایت اصل پیش‌نگر تناسب است». حال اگر پذیرفته شود که هسته مرکزی حقوق کیفری را توجه به حقوق انسانی متهم یا همان حقوق بشر تشکیل می‌دهد، می‌توان هسته این حقوق انسانی را رعایت تناسب دانست.

۱۱. زارعی، محمدحسین؛ در مقدمه بر: اصل تناسب در نظام حقوقی اتحادیه اروپایی با نگاهی به آرای دیوان عدالت اداری / ایران، اثر مهدی مرادی برلین، خرسندی، ۱۳۹۲، ص ۱۱.

۱۲. پیشین؛ ص ۲۳.

۱۳. برای مثال، لایبنتیس برای مفهوم عدالت از تعبیر لاتینی *congruitas ac proportionalitas quaedam* (توافق و قدری از تناسب) استفاده می‌کند که بیش از هر چیز بیانگر تناسب و هماهنگی در تنظیم روابط اجتماعی است.

۱۴. "Filetage dans le golfe du Saint-Laurent", Canada/France, 1986, RSA, vol. XIX, pp. 258-259.

۱۵. باین‌حال، نمی‌توان از تأثیر و کاربرد رو به تزاید اصل تناسب در عمل در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی و دفاع مشروع و حقوق بین‌الملل کیفری چشم‌پوشی کرد. جهت مطالعه بیشتر، ن.ک:

۱. شناخت محتوای اصل تناسب در روابط حقوقی بین‌المللی

در این قسمت، با بیان نگاه‌های مختلف به اصل تناسب در فلسفه حقوق تلاش خواهد شد تا بر اساس رویه قضایی و عملکرد دولت‌ها، مفهومی حقوقی از این اصل در حقوق بین‌الملل امروز ارائه شود.

۱-۱. مفهوم حقوقی اصل تناسب

در خصوص اصل تناسب، برداشت‌های متعددی ارائه شده است: به‌طور کل، در دکترین حقوق بین‌الملل، سه رویکرد عمده در مورد این اصل به چشم می‌خورد که هر یک به‌نوعی می‌تواند برای شناخت موضوع در حقوق بین‌الملل عمومی راهگشا باشد:

الف) برخی تناسب را به‌نوعی تطابق میان ابزار و هدف معنا کرده‌اند. در این مورد، گفته شده است که برای رسیدن به تناسب، باید از ابزارهایی استفاده شود که مطابق با نتیجه مورد نظر باشد. در واقع، در اینجا مسئله مناسب‌بودن، توانایی و ایجاد اثر مطلوب مطرح می‌شود. بر اساس این نگاه، اگر انطباق مذکور وجود نداشته باشد، باید عمل یادشده را «نامتناسب» و «خودسرانه» توصیف کرد.^{۱۶} تناسب از این حیث، تأکیدی بر ممنوعیت اعمال دل‌خواهانه و خودسرانه‌ای است که یادآور اصل «ممنوعیت سوءاستفاده از حق» است.^{۱۷} برای مثال می‌توان به ممنوعیت سیگار برای حفظ سلامت عامه اشاره کرد. اگر همراه با صدور قانون ممنوعیت سیگار، انواع دیگری از دخانیات با همان آثار مضر به سلامت عامه، زمینه فروش در بازار داشته باشد، نمی‌توان چنین قانونی را متناسب تلقی کرد چرا که در این حالت، هدف غایی از این تحریم‌ها که همانا حفظ سلامت است، برآورده نخواهد شد. همین مطلب را می‌توان در مورد تحریم‌های اقتصادی خاطر نشان کرد. در این مفهوم، اصل تناسب، مفهومی غایی به شمار می‌آید که با توسل به اصول تفسیر غایی می‌توان مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات مورد بحث را مشخص کرد.

ب) عده‌ای دیگر، اصل تناسب را به‌عنوان ضرورت تعریف کرده‌اند. در این مورد نیز ملاحظات مختلفی ارائه شده است. به‌طور کلی، اصل ضرورت در هر مورد که موضوعی برای تشخیص مشروعیت به مرجعی ثالث سپرده شده باشد، کاربرد دارد. در این حال برای تحقق تناسب، این مرجع باید احراز کند که اقداماتی که انجام شده است برای رسیدن به اهداف اساسی موردنظر، «ضروری» بوده یا خیر. از نگاه عملی، اصل ضرورت در زمینه‌های مختلف حقوقی کاربرد دارد. از

همایون حبیبی و صالحه رضائی؛ «استفاده از سیر انسانی به مثابه جنایت جنگی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۲۶، نیمسال دوم ۱۳۹۳؛ جعفر کوشا؛ «اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق بین‌الملل کیفری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۷، ۱۳۹۰.

16. Herdegen, M., "The Relationship between the Principles of Equality and Proportionality", *Common Market Law Review*, 1985, vol. 22, p. 691.

17. در این مورد، به‌ویژه ن.ک:

-Robert Kolb, *La bonne foi en droit international public*, (PUF Paris, 2000), pp. 468-469.

آن جمله می‌توان به روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه اشاره کرد.^{۱۸} از این نگاه می‌توان اصل تناسب را این طور تعریف کرد: تناسب بدان معناست که از میان ابزارهای متعدد برای رسیدن به نتیجه، باید کم‌هزینه‌ترین ابزار را که کمترین آسیب را به موضوع برساند، انتخاب کرد. برای مثال، اگر بتوان با زوج و فردکردن پلاک خودروها آلودگی هوا را کاهش داد، نمی‌توان به‌طور کل از حرکت خودروها در شهر جلوگیری کرد.

در این خصوص، معمولاً پرونده توری کانیون^{۱۹} را مثال می‌زنند: در سال ۱۹۶۷ دولت انگلستان برای جلوگیری از نشت نفت از یک نفت‌کش که در سواحل این کشور به صخره برخورد کرده بود، آن را بمباران کرد. در آن زمان، اقدام دولت بریتانیا این‌گونه توجیه شد که تمام اقدامات انجام‌شده به نتیجه نرسید و لذا تنها اقدام ممکن، استفاده از بمباران هوایی برای جلوگیری از فاجعه زیست‌محیطی بود.^{۲۰} موارد متعددی از این برداشت، در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نیز به چشم می‌خورد.^{۲۱}

باید توجه داشت که در حقوق بین‌الملل، حالت ضرورت، یکی از موارد معافیت از مسئولیت برای دولت‌هاست. در این معنا حالت ضرورت به معنای وضعیت استثنایی تعریف شده است که طی آن، دولت می‌تواند در برابر خطر جدی و قریب‌الوقوع، دست به اقدامی بزند که در شرایط عادی می‌توانست موجب مسئولیت آن کشور شود. در این وضعیت، ضرورت به معنای خطری برای منافع حیاتی یک دولت یا جامعه بین‌المللی است. درحقیقت، در تعارض میان منافع حیاتی یک کشور یا کلیت جامعه بین‌المللی از یک‌سو و تعهدات بین‌المللی فردی یک دولت از دیگر سو، مفهوم ضرورت به‌نوعی توجیه‌کننده اقدامات موردی خلاف حقوق بین‌الملل یک دولت خواهد بود.^{۲۲}

۱۸. فرخ‌سیری، منصور؛ «محدودیت حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۹، ۱۳۸۷، ص ۳۵.

19. Torrey Canyon

۲۰. درمورد این واقعه به‌طور خاص، ن.ک:

-E. D. Brown, "The Lessons of the Torrey Canyon, International Aspects", *Current Legal Problems*, 1968, vol. 21, pp. 113 ff.

۲۱. برای نمونه می‌توان به پرونده *Lawless* در دیوان اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۶۱ اشاره کرد. در این پرونده به‌زعم وکلای خواهان از آنجا که دولت فرانسه می‌توانست به‌جای بازداشت شخص زندانی، راه‌حلهای جایگزین بهتری انتخاب کند، باید به دلیل عدم توجه به اصل تناسب، در دیوان اروپایی حقوق بشر محکوم می‌شد. باین‌حال، دیوان به‌رغم بررسی جدی این گزینه، درنهایت، این برداشت وکلای خواهان را رد کرد. در این مورد، ن.ک:

- CEDH, Series A., no. 2, 1961, pp. 57-58.

۲۲. در تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل درمورد حالت ضرورت، چنین بیان شده که:

"The term 'necessity' is used to denote those exceptional cases where the only way a State can safeguard an essential interest threatened by a grave and imminent peril...necessity consists not in danger to the lives of individuals in the charge of the State but in a grave danger either to the essential interests of the State or of the international community." See:

- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, in: *Yearbook of International Law Commission*, 2001, vol. II, p. 80.

این مفهوم از ضرورت نباید با مفهوم اضطرار، خلط شود. در حقوق ایران نیز میان این دو مفهوم، تفکیک شده است. از حیث لغوی، اضطرار به معنای ناچاری، لاعلاجی، مجبوربودن، بیچارگی، درماندگی و ناگزیرشدن است درحالی که ضرورت به معنای نیاز، حاجت و امری است که به آن احتیاج وجود داشته باشد. بر این اساس در حقوق ایران و فقه اسلامی نیز میان این دو اصطلاح، تمییز قائل شده‌اند: ضرورت به معنای نیاز شدیدی است که برآورده‌نشدن آن ممکن است خطر جانی یا زیان مالی جبران‌ناپذیری به وجود آورد، ولی حالت اضطراری آن چنان وضعیتی است که انسان برای حفظ جان و مال یا عرض خود و دیگری، ناگزیر از ارتکاب فعلی مغایر با هنجارهای حقوقی جامعه است.^{۲۳} در این مورد در چارچوب فقه اسلامی برای مثال به نوشیدن شراب برای جان یا سرقت برای رفع گرسنگی در حد حفظ جان اشاره کرده‌اند.^{۲۴}

همین معنا از اضطرار نیز در حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. مطابق قواعد حقوق بین‌الملل، «حالت اضطرار»^{۲۵} وضعیتی است که در آن، یک دولت، چنان در وضعیت درمانده‌ای قرار گیرد که برای نجات جان اتباع خود یا دیگر افرادی که حمایت از جان آن‌ها به این کشور سپرده شد است، راهی جز نقض هنجار بین‌المللی نداشته باشد.^{۲۶} بدیهی است که در معنای پیش‌گفته از حالت اضطرار، اصل تناسب، محلی از اعراب ندارد و نباید اصل تناسب را با این مفهوم خلط کرد.

ج) درنهایت، اصل تناسب، وسیله ایجاد توازن است. معمولاً تناسب، همین معنا را به ذهن می‌آورد. این معنا از تناسب، عبارت است از رابطه معقول میان شدت نقض حقوق و پاسخی که باید به آن داده شود. در واقع، مسئله در اینجا ایجاد رابطه معقول میان ابزار مورد استفاده و هدف است. در واقع، مسئله مورد بحث، ایجاد توازن بین کنش و واکنش است. این توازن می‌تواند کمی، کیفی یا ترکیبی از آن دو باشد. این مفهوم از تناسب در عرصه‌هایی مانند دفاع مشروع یا اقدامات متقابل، جایگاه برجسته‌ای دارد، لیکن در سایر رشته‌های حقوق نیز مفهومی بی‌ارتباط نیست.^{۲۷}

۲۳. شریفی خضارتی، امیر؛ «ضرورت یا اضطرار در حقوق جزای اسلام»، مجله دادگستر، شماره ۳۴، خرداد و تیر ۱۳۸۸، صص ۷-۸.

۲۴. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ پنجم، میزان، ۱۳۸۲، ص ۱۷۹.

25. Distress

۲۶. در ماده ۲۴ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده است که:

"The wrongfulness of an act of a State not in conformity with an International obligation of that State is precluded if the author of the act in question has no other reasonable way, in a situation of distress, of saving the author's life or the lives of other persons entrusted to the author's care." See:

-Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, adopted in fifty-third session of the International Law Commission, (A/56/10) 2001, art 24., Boleslaw A. Boczek, *International Law: A Dictionary*, Scarecrow Press Inc., 2005, p. 58.

۲۷. در باب این برداشت از مفهوم تناسب در دفاع مشروع، ن.ک:

-David, Kretzmer, "The Inherent Right to Self-Defense and Proportionality in Jus Ad Bellum", *European Journal of International Law*, 2013, vol. 24, no. 1, pp. 235-282.

بنابراین به‌طور خلاصه باید گفت که از اصل تناسب می‌توان سه رویکرد ارائه کرد: رویکرد تطابق نیروی به‌کاربرده‌شده برای رسیدن به هدف معین، رویکرد ضرورت (انتخاب ابزار کم‌هزینه‌تر برای رسیدن به هدف) و ایجاد توازن (رابطه منطقی و قابل توجیه در ارتباط با شدت عمل انجام‌شده و هدف مورد تعقیب). ولی در اینجا این سؤال مطرح است که کدام‌یک از این سه رویکرد در رویه قضایی و عملکرد دولت‌ها پذیرفته شده است؟

۱-۲. محتوای اصل تناسب در رویه قضایی و عملکرد دولت‌ها

رویه قضایی بین‌المللی و داخلی در زمینه اقدامات یک‌جانبه دولت‌ها بسیار غنی است. در واقع، قاضی بین‌المللی در برابر عملکرد فردی و خودسرانه دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی، برای اثبات مشروعیت اقدامات آن‌ها متوسل به بررسی اصل تناسب شده است و از مهم‌ترین روش‌های قاضی بین‌المللی برای کنترل اصل تناسب، بررسی وجود رابطه منطقی بین اقدامات انجام‌شده و هدف مورد نظر است. گویی رویکرد ایجاد نوعی توازن و رابطه منطقی میان شدت عمل انجام‌گرفته و هدف مورد تعقیب در نگاه قاضی بین‌المللی دارای اهمیت دست‌اول است. برای اثبات این ادعا می‌توان به دو رأی مشهور دآوری اشاره کرد:

- در اولین پرونده که مربوط به مسئولیت آلمان در مورد خسارات وارده به مستعمرات پرتغال در جنوب آفریقا^{۲۸} است، در سال ۱۹۲۸ به‌صورت دقیق به مسئله تناسب - در معنای توجیه شدت عمل با هدف مورد تعقیب - توجه شد. در این پرونده، سربازان آلمانی که کشور نامیبیای امروز را در کنترل خود داشتند، به‌عنوان اقدام تلافی‌جویانه در برابر اقدام مسلحانه نیروهای پرتغالی به نیروهای این کشور در آن‌گولا حمله کردند. قضیه از این قرار بود که سه آلمانی به دلایل نامشخصی در درگیری با نیروهای مرزبان پرتغالی کشته شدند. حتی امروز نیز دلایل برخورد این سه سرباز با نیروهای پرتغالی کاملاً روشن نیست. در برخی از گزارش‌ها به سوءتفاهم ناشی از تفاوت زبان دو طرف اشاره شده است که در نهایت، منجر به مشاجره و نتیجه‌ای فاجعه‌بار شد. به‌هرحال، آلمان در پاسخ به این مشاجره مرگ‌بار، دست به یک لشکرکشی واقعی زد. حجم پاسخ آلمان‌ها آن‌قدر گسترده بود که همگان از عدم تناسب میان حادثه مذکور و پاسخ آلمان سخن می‌گفتند. زمانی که پس از پایان جنگ جهانی اول، دادگاه دآوری برای رسیدگی به این موضوع تشکیل شد، همین عدم تناسب میان حادثه مزبور و پاسخ آلمان، نکته کلیدی رأی بود. در واقع، دیوان دآوری به مسئله زیاده‌روی آلمان‌ها و عدم امکان قابلیت توجیه اقدامات انجام‌گرفته با هدف مورد تعقیب، توجه خاص داشت.^{۲۸} در این

۲۸. این رأی دآوری در سال ۱۹۲۸ به نام رأی نولیل (Naulilaa) مشهور شد. ن.ک:

-Weller, Marc, *The Oxford Handbook of the Use of Force in International Law*, Oxford University Press, 2015, p. 885.

رأی آمده بود:

«در ارتباط با حقوق بین‌الملل ... این شاخه حقوقی می‌کوشد تا مفهوم اقدام تلافی‌جویانه مشروع و زیاده‌روی از آن را محدود کند. ... ضرورت ایجاد توازن میان اقدام تلافی‌جویانه و حمله در لایحه جویانه آلمان پذیرفته شده است. حتی اگر پذیرفته شود که حقوق بین‌الملل، شرط تناسب اقدام تلافی‌جویانه را لحاظ نکرده است، باید اقدام نامتناسب را نامشروع دانست. در این پرونده، میان حادثه نولیل و شش اقدام تلافی‌جویانه بعدی، گونه‌ای عدم تناسب وجود دارد».^{۲۹}

درحقیقت از نگاه قاضی بین‌المللی اگر هدف اقدامات آلمان‌ها، بازداشتن پرتغالی‌ها از تکرار حوادث مشابه بوده باشد، لازم نبود تا ارتش آلمان دست به لشکرکشی واقعی بزند و اگر هدف، اخذ غرامت بود، باز راهکار ساده‌تری نیز برای رسیدن به آن وجود داشت.

- پرونده دوم، مربوط به پرونده سرویس‌های هوایی است. مقامات فرانسوی در اقدامی مغایر با توافقنامه فرانسه و ایالات متحده در باب پروازهای غیرنظامی، مانع از فرود یک فروند هواپیمای پان/امریکن در لندن شدند. متعاقب این اقدام، مقامات هوانوردی کشوری ایالات متحده تصمیم گرفتند تا مانع از دسترسی ایرفرانس به سواحل غربی ایالات متحده شوند. این تصمیم تا زمانی که هواپیماهای پان/امریکن با مخالفت مقامات فرانسوی نمی‌توانستند در مسیر خود به پاریس در لندن فرود آیند، می‌توانست لازم‌الاجرا باشد. درهرحال، هیچ‌گاه تصمیم مقامات هوانوردی کشوری امریکا اجرا نشد چرا که پرونده بر اساس توافقنامه داوری به دادگاه داوری ارجاع شد. باین‌حال، دادگاه یادشده با اشاره به این اقدامات، تصمیم گرفت درمورد مشروعیت آن‌ها به‌ویژه از باب تطابق با شرط تناسب، اظهارنظر کند.^{۳۰}

در این باب، مقامات فرانسوی اظهار می‌داشتند که اقدامات ایالات متحده به لحاظ عدم رعایت شرط تناسب، نامشروع است. آن‌ها مدعی بودند که اعمال اقدامات تلافی‌جویانه در حقوق بین‌الملل، وابسته به وجود تناسب میان اقدام تلافی‌جویانه و عمل خلاف ارتكابی است. از نگاه فرانسوی‌ها، تعریف تناسب، بیشتر با مفهوم ضرورت انطباق داشت. آن‌ها این ادعا را مطرح می‌کردند که در اوضاع و احوال این پرونده، اقدامات دولت امریکا برای رسیدن به نتیجه مطلوب، ضروری نبود و امریکایی‌ها می‌توانستند از راه‌های دیگر نیز به مقصود خود برسند.

باوجود این، دیوان داوری با عنایت به این نکته که مسئله تناسب می‌تواند از زوایای مختلف ارزیابی شود، ادعای فرانسه را مردود دانست و حکم به متناسب بودن اقدامات ایالات متحده با عمل ارتكابی فرانسه داد.^{۳۱} درحقیقت، از نگاه دیوان داوری به دلیل وجود رابطه منطقی و قابل توجیه میان

29. Recueil des sentences arbitrales, vol. II, pp. 1026-1028.

30. Recueil des sentences arbitrales, vol. XVIII, p. 483.

31. Ibid.

اقدام انجام گرفته و هدف مورد تعقیب، عمل ایالات متحده، متناسب و قابل دفاع به نظر می‌رسید.^{۳۲} اخیراً نیز در دهه ۹۰ میلادی قرن گذشته در پرونده سد گاجیکو - ناگیماروس، رویکرد قضات بین‌المللی، نزدیک به برداشت بالا به نظر می‌رسد. در این پرونده به دنبال معلق شدن و پایان یافتن یک معاهده مربوط به تأسیسات آبی از سوی مجارستان، اسلواکی به طور یک‌جانبه یک سامانه جایگزین، موسوم به نسخه (ج) راه‌اندازی کرد. از نگاه این کشور، نسخه (ج)، نزدیک‌ترین نسخه به معاهده‌ای بود که اجرای آن متوقف شده بود. از نگاه دیگر، اقدام اسلواکی، نوعی اقدام متقابل در برابر مجارستان بود که به طور یک‌جانبه اجرای معاهده قبلی را متوقف کرده بود. ولی مجارستان، منکر مشروعیت این اقدامات بود و از همه مهم‌تر، مسئله عدم تناسب را مطرح می‌کرد. دیوان در این زمینه خاطرنشان کرد که: «به نظر دیوان، یکی از شرایط مهم آن است که آثار یک اقدام متقابل، متناسب با خسارت‌های به‌بارآمده باشد که در عین حال، حقوق موجود نیز مدنظر قرار گیرد». دیوان در اینجا در عین حال به اصل برابری دولت‌های ساحلی رودخانه در استفاده از رود اشاره می‌کند و نظریه «جامعه منافع»^{۳۳} را مطرح می‌کند. از نگاه دیوان، «چکسلواکی با دراختیار گرفتن یک‌جانبه منابع مشترک اقتصادی و محروم کردن مجارستان از منابع مشترک رود دانوب، (...) به اصل تناسب که در حقوق بین‌الملل، لازم‌الاجراست، توجهی نکرده است».^{۳۴}

نکته مهم در این خصوص این است که معیار دیوان برای اندازه‌گیری اصل تناسب در منابع اقتصادی مشترک است: همواره باید به اصل استفاده برابر در منابع مشترک اقتصادی توجه شود.^{۳۵} گویی دیوان بر این اعتقاد است که صرف توسل به خطای طرف مقابل نباید موجب آن شود که یک طرف به طور کلی از مزایای اقتصادی محروم شود. هرگونه اقدام خودسرانه در این زمینه باید نامشروع تلقی شود. در این رأی، دیوان از اقدامات متقابلی صحبت می‌کند که حتی از حیث آسیب وارد کردن به خود و طرف مقابل نیز باید راه تناسب را در پیش گیرد. در چنین پرونده‌ای، مسئله تناسب با توجه به حقایق زیست‌محیطی و اقتصادی با هم لحاظ شده است. به تعبیر بهتر، از نگاه دیوان بین‌المللی دادگستری، زمانی اقدام چکسلواکی می‌توانست مشروع باشد که میان اقدام انجام گرفته و هدف مشروع، رابطه منطقی و قابل دفاعی وجود داشته باشد و حال آنکه به دلیل نبودن چنین رابطه منطقی،

32. Focarelli, Carlo, *International Law as Social Construct: The Struggle for Global Justice*, Oxford University Press, 2012, p. 351.

33. Community of Interests

34. ICJ Rep, Gabčíkovo-Nagymaros Project, (*Hungry v. Slovakia*), 1997, p. 56.

35. در این مورد برای مثال، ن.ک: پاراگراف ۸۵ رأی مذکور. متن رأی دیوان در این مورد به قرار زیر است: "In the view of the Court, an important consideration is that the effects of a countermeasure must be commensurate with the injury suffered, taking account of the rights in question".

دیوان از «نامتناسب بودن» اقدام این کشور، سخن به میان آورده است.^{۳۶} با این حال باید توجه داشت که نوع دعوا و ارزش‌های درگیر در دعاوی مختلف بر عملکرد محاکم و ارزیابی آن‌ها از اصل تناسب، بی‌تأثیر نبوده است. در واقع، پیش‌تر به این نکته اشاره شد که در آرای داوری و قضایی بین‌المللی، رویکرد عمومی متوجه ایجاد نوعی توازن میان اقدامات انجام‌گرفته و هدف مشروعی است که به آن حمله شده است. گذشته از این ملاحظات، به نظر می‌رسد که در جهان امروز و با توجه به تأکیدی که بر نقش انسان در روابط حقوقی شده است، هرگونه تجاوز به حریم انسان‌های بی‌گناه باید اقدام «نامتناسب» توصیف شود. مثال‌های متعددی مؤید این طرز تلقی است: برای نمونه در دعاوی کیفری درمورد استرداد افراد آلمانی متهم به ارتکاب جرائم جنگی، نوع نگرش انسانی موجب شده بود تا مسئله تناسب، همراه با رویکرد ارزشی نو مورد توجه قرار گیرد. برای مثال در پرونده کروگر در سال ۱۹۶۶ در دادگاه فدرال سوئیس درمورد استرداد یک آلمانی برای ارتکاب جنایت جنگی، اقدامات متهم، متناسب با اقدامات جنگی توصیف نشد. در این پرونده، متهم مرتکب قتل غیرنظامیان شده بود، بدون آنکه این اعمال برای رسیدن به هدف نظامی ضرورت داشته باشد. در رأی دادگاه، قاضی به مسئله تناسب از منظر ضرورت اهداف نظامی نگاه نکرد، بلکه نگاهی بشردوستانه را برای تحلیل موضوع انتخاب کرد. در اینجا از نگاه قاضی، مسئله اصلی برای نامتناسب بودن اقدامات فرد متهم، نامشروع بودن هدفی بود که منجر به از بین رفتن جان انسان‌های بی‌گناه شده بود.^{۳۷} در اینجاست که باید گفت، بدون شک، ظرف زمانی طرح موضوع و محتوای انسانی حقوق بین‌الملل می‌تواند در توصیف قضایی تناسب، نقش اساسی داشته باشد.

با عنایت به آنچه گذشت باید اذعان کرد که در رویه قضایی بین‌المللی، همواره قاضی یا داور بین‌المللی تلاش می‌کند تا برای درک تناسب، به نوعی میان اقدامات انجام‌شده و آثار آن رابطه منطقی ایجاد کند. در این راستا، هدف مشروع فرد یا جامعه زیان‌دیده، عامل قابل توجه است. اگر اقدامات انجام‌شده، برای رسیدن به این هدف، مشروع نبوده باشد و وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر باشد، قاضی بین‌المللی، حکم به عدم رعایت اصل تناسب خواهد داد. در چارچوب اتحادیه اروپا نیز تصمیماتی که مجازات‌های اقتصادی علیه افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها از سوی ارکان اتحادیه اروپا یا کشورهای عضو اتحادیه اعمال می‌کند، اصل تناسب، مبنای پیگیری و ارزیابی قضایی این تصمیمات و اقدامات اجرایی از سوی دیوان دادگستری اروپا^{۳۸} یا دیوان حقوق

۳۶. پیشین.

37. Gilbert, Goeff, *Responding to International Crime*, Leiden, Martinus Nijhoff, 2006, p. 397.

۳۸. مرادی برلیان؛ همان، صص ۱۰۵-۱۰۶.

بشر اروپا شده است.^{۳۹} با عنایت به آنچه گذشت، جایگاه اصل تناسب در ارتباط با تحریم‌های اقتصادی بررسی می‌شود.

۲. اصل تناسب، معیاری برای مشروعیت تحریم‌های بین‌المللی

زمانی که مسئله تناسب مطرح می‌شود، بلافاصله این نکته به ذهن متبادر می‌شود که لاجرم «چیزی» باید با «چیز دیگر» مطابق باشد. در واقع، تناسب، به‌خودی‌خود، امر ماهوی نیست، بلکه بیان یک رابطه است: رابطه نسبتی. آنچنان‌که در قسمت قبلی از نظر گذشت، این رابطه در رویه قضایی، بیش از هر چیز، نوعی رابطه منطقی میان اقدام و هدف دانسته شده است. بنابراین، سؤال اساسی در ارتباط با تحریم‌های اقتصادی این است که چگونه می‌توان پایه‌های اساسی برقراری این رابطه نسبتی را تعریف کرد؟ هرچند ممکن است ترسیم تصویر کامل از موضوع، ناممکن جلوه کند، تعیین خطوط کلی توازن منطقی میان تحریم و اهداف آن، امری ممکن به نظر می‌رسد. به‌طور کلی سه عامل اساسی می‌تواند در تعیین تناسب در تحریم‌ها، نقش تعیین‌کننده داشته باشد: عامل کیفی، عامل کمی و درنهایت، هدف مورد نظر تحریم. با عنایت به این نکته، در ادامه، این سه عامل در تحریم اقتصادی بین‌المللی بررسی خواهد شد.

۱-۲. تحلیل عوامل مؤثر بر ایجاد تناسب در تحریم بین‌المللی

به‌طور کلی می‌توان عوامل مؤثر بر اقدام تحریمی را در سه بخش قالب‌بندی کرد: معیارهای کمی، کیفی و غایی.

الف. معیارهای کمی: آثار عمل نامشروع

نخستین عاملی که باید در ارتباط با تحریم به آن توجه کرد، مسئله آثار عملی است که منجر به اتخاذ اقدام متقابل یا تحریم از سوی یک دولت شده است. این معیار در درجه اول، معیار کمی است و رویه دولت‌ها بدون هیچ تردیدی وجود آن را تأیید می‌کند.^{۴۰}

در این ارتباط، تردیدی نیست که دولت یا جامعه بین‌المللی در شرایطی می‌تواند دست به اقدام متقابل تحریمی بزند که به‌نوعی در نتیجه عمل نامشروع، زیان دیده باشد.^{۴۱} ولی مسئله اساسی، چگونگی تعیین این آثار است. در بیان چگونگی اندازه‌گیری آثار اقدامات نامشروع گفته

۳۹. پیشین، صص ۱۷۴-۱۷۰.

۴۰. به‌ویژه در مبحث تناسب کمی در پاسخ به حملات مسلحانه بر این نکته تأکید شده است. ن.ک:

-Tom, Ruys, *Armed Attack and Article 51 of the UN Charter*, London: Cambridge University Press, 2010, p. 519.

۴۱. راعی دهقی، مسعود؛ «اقدام متقابل و حقوق بین‌الملل»، *مجله معرفت*، شماره ۱۶۵، ۱۳۹۰، صص ۱۰۵-۱۰۴.

شده است که موضوع باید در چارچوب گستره و آثار احتمالی تحریم‌ها بر اقتصاد کشور بررسی شود. در این ارتباط، برخی از حقوق‌دانان تأکید می‌کنند که در اتخاذ هرگونه اقدام تحریمی باید به مسئله وضعیت اقتصادی دولت هدف و میزان وابستگی آن به تحریم‌ها و رابطه نابرابر کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته توجه شود.^{۴۲} در رویه قضایی بین‌المللی به صراحت بر این نکته تأکید شده است. برای نمونه، در یکی از پرونده‌های سازمان تجارت جهانی، به مفهوم «اقدام متقابل مناسب» اشاره و خاطر نشان شده است که تنها زمانی اقدام متقابل می‌تواند مشروع باشد که در سایه هدف و موضوع آن، متناسب با نقض طرف مقابل باشد و به نظام اقتصادی کشور هدف، آسیب بیش از حد لازم وارد نکند.^{۴۳}

ماده ۵۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها متضمن این معناست که اقدام متقابل باید با خسارت وارده متناسب باشد و در هر مورد با توجه به شدت عمل متخلفانه و حقوق مورد نظر ارزیابی شود. این مقرر به منزله قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است و در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز شناسایی شده است.^{۴۴} علاوه بر این، در مقام توسل به اقدام متقابل، نمی‌توان تخطی از قاعده ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور در روابط بین‌المللی،^{۴۵} تعهد به حمایت از حقوق اساسی بشر، قواعد حقوق بشردوستانه و دیگر قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام را مجاز دانست (ماده ۵۰ طرح مسئولیت).^{۴۶}

با این حال، رعایت توازن کمی در همه موارد نیز مسئله آسانی نیست. مثلاً دولت یا دولت‌هایی با موارد متعدد نقض تعهدات دولتی روبه‌رو شده‌اند. در برابر موارد مختلف نقض مکرر یک سلسله تعهدات که در طول زمان و به مدت طولانی تکرار شده است، چگونه باید محاسبه کرد؟ پاسخ این پرسش، قبل از ورود به جزئیات یک پرونده مشخص، چندان ساده نخواهد بود. به‌طور کلی باید گفت که زمانی که مسائل از سنخ مسائل اقتصادی باشد، در چارچوب روابط دوجانبه معیار کمی می‌توان کمک زیادی به تعیین مسئله تناسب کرد ولی همین که پا از مرحله مسائل اقتصادی فراتر گذاشته شود، تعیین معیار کمی در تعیین مشروعیت اقدامات متقابل، پیچیده می‌شود. به همین دلیل در این موارد باید به دنبال معیار دیگری بود: معیار شدت عمل نامشروع که می‌توان از آن به‌عنوان معیار کیفی یاد کرد.

42. O. Y. Elagab, *The Legality of Non-Forcible Counter-Measure in International Law*, Oxford University Press, 1988, pp. 92-93.

۴۳. رأی مربوط به یارانه صادرات هوانوردی: WT/DS46/ARB (28 August 2000)

44. ICJ Reports., *Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungry v. Slovakia)*, 1997, para 85.

45. Mitchell, C. F., "Does One Illegality Merit Another? The Law of Belligerent Reprisals in International Law", *Military Law Review*, vol. 3, 2001, p. 158.

46. Crawford, James, *The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries*, London: Cambridge University Press, 2002, pp. 288-296.

ب. معیار کیفی: شدت عمل نامشروع

مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، شدت وضعیت ایجادشده در نتیجه عمل نامشروع نیست بلکه خود عمل یادشده مدنظر است. بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد که در قضیه «ترافیک راه‌آهن» در سال ۱۹۳۹ در دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی میان لیتوانی و لهستان، به این معیار توجه شد و پس از آن، کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۴۹ طرح مسئولیت دولت‌ها در سال ۲۰۰۱ به آن توجه کرد.^{۴۷} برای شدت عمل انجام‌شده باید دو بُعد را در نظر گرفت: بُعد عینی و بُعد ذهنی.

بُعد عینی مربوط به این نکته است که در سلسله‌مراتب قواعد در حقوق بین‌الملل، عمل انجام‌شده، کدام هنجار حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. نقض قاعده آمره یا هنجاری بنیادین در نظم بین‌المللی مانند تجاوز یک کشور به کشور دیگر، اقدامی جدی و گاه گسترده را طلب می‌کند. این مسئله در هفتمین گزارش گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل، آقای *آرنجیو روئیز*^{۴۸} در سال ۱۹۹۵ مورد توجه واقع شد.^{۴۹} بدون شک، نقض قاعده آمره در حقوق بین‌الملل باید عکس‌العملی شدیدتر از قاعده ساده در حقوق بین‌الملل به دنبال داشته باشد. این مسئله با پذیرفته‌شدن هرچه بیشتر نظام سلسله‌مراتب در حقوق بین‌الملل، جنبه عملی‌تری به خود می‌گیرد.

ولی در مقابل نباید از بُعد ذهنی مسئله نیز غافل شد. حقوق دانان، بُعد ذهنی مسئله را همان تقصیر یا خطایی دانسته‌اند که باید در ارتکاب عمل مورد توجه قرار گیرد. به تعبیر بهتر، عمدی بودن اقدامات نامشروع انجام‌گرفته و اصرار بر تکرار آن‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای اقدامات تحریمی جدی‌تر باشد. از نگاه *آرنجیو روئیز*، این عامل باید در مورد جنایات بین‌المللی جنبه و عنصر اصلی تعیین‌کننده هر عکس‌العملی باشد.^{۵۰} ولی در طرح جدید مسئولیت دولت‌ها از هرگونه اشاره‌ای به جنایت بین‌المللی پرهیز شده است. به نظر می‌رسد در این موارد، جامعه بین‌الملل می‌تواند در مقابل خودسری دولت ناقض حقوق بین‌الملل به صورت پله‌ای یا تدریجی اقدامات تحریمی خود را افزایش دهد تا مسئله با اصل تناسب، منافاتی نداشته باشد. شاید بهترین مثال در این مورد، اقدامات تدریجی شورای امنیت با پرونده هسته‌ای ایران باشد. در این پرونده، خودداری ایران از غنی‌سازی مواد شکافت‌پذیر هسته‌ای - که مطابق مقررات کنونی منشور برای این کشور الزام‌آور به شمار می‌رفت - در نهایت، قطعنامه‌های تحریمی این مرجع بین‌المللی را افزایش داد. همین نکته می‌تواند در خصوص تحریم‌های یک‌جانبه کشورها نیز مصداق پیدا کند.

۴۷. در این مورد، ن.ک: ماده ۴۹ طرح مسئولیت دولت‌ها، مصوب سال ۲۰۰۱. در این ماده آمده است که: «... اقدامات متقابل انجام‌شده باید متناسب با زیان وارده باشد و شدت عمل نامشروع بین‌المللی نیز در نظر گرفته شود». در مورد این سند، ن.ک: UN Doc., A/CN.4/507/Add.3, p. 41.

48. Gaetano Arangio-Ruiz

49. UN Doc., A/CN.4/469, pp. 17-20.

50. *Ibid.*, 18.

ج. معیار هدف غایی

قبل از هر چیز باید توجه داشت که در خصوص غایت اقدامات متقابل و از جمله تحریم‌ها، نوعی ابهام در دکترین حقوق بین‌الملل وجود دارد. به‌طور کلی در دکترین، این نکته پذیرفته شده است که ابزارهای استفاده‌شده در اقدامات متقابل باید متناسب با هدف باشد. باین‌حال، کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۴۹ طرح مسئولیت خود در سال ۲۰۰۱ به این معیار بی‌توجهی کرد.^{۵۱} باین‌حال، این سؤال اساسی همچنان بی‌پاسخ مانده است که هدف از اقدام متقابل یا تحریم چیست؟ آنچه در ارتباط با مبحث تناسب باید خاطر نشان شود این است که صرفاً نباید به هدف دولت تحریم‌کننده توجه کرد. ممکن است دولت تحریم‌کننده، اهداف متعددی را از این اقدامات دنبال کند: انزوای اقتصادی، فشار سیاسی، پیشگیری از تکرار دوباره آن عمل و غیره. آنچه در مبحث تناسب باید لحاظ شود، از بین بردن آثار نامشروع اقدامات مستوجب تحریم است. در این راستا باید آثار غیرقانونی مترتب بر اعمال دولت‌ها به‌دقت ارزیابی و به‌محض پایان یافتن آن‌ها اقدامات تحریمی، فاقد شرط تناسب اعلام شود. مثلاً کشوری به‌طور غیرقانونی سلاح‌های کشتار جمعی تولید کرده و برای این منظور، تحریم‌های اقتصادی علیه آن کشور برقرار شده است. مطابق با برداشت بالا از تناسب، زمانی که مسلم شود این کشور تمام سلاح‌های کشتار جمعی خود را نابود کرده است، باید به تحریم‌های این کشور، پایان داد و اختلافات سیاسی نباید دلیلی برای ادامه تحریم‌ها تلقی شود.^{۵۲}

۵۱. در این مورد باید توجه داشت که معیار غایت اقدام متقابل در گزارش‌های آقای آرنخو روئیز تا سال ۱۹۹۵ به‌خوبی مورد توجه قرار دارد. ولی از این سال به بعد، این معیار بدون هیچ توضیح صریحی از طرح مواد مسئولیت دولت‌ها حذف می‌شود. باین‌حال، در گزارش دولت‌ها در مورد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، به کرات به این معیار اشاره شده است. برای مثال در این مورد، ن.ک:

UN Doc., A/CN.4/488, pp. 134-135.

۵۲. هرچند تحریم‌های اقتصادی در روابط متقابل کشورها عمده‌تأ مبتنی بر انگیزه‌ها و اختلافات سیاسی است، در خصوص وضع و اعمال تحریم‌های اقتصادی از ناحیه شورای امنیت سازمان ملل نمی‌توان چنین امری را پذیرفت چرا که هدف از وضع و اعمال این‌گونه تحریم‌ها، مجازات ناقضین قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل و حفظ و تداوم صلح و امنیت در نظام امنیت جمعی ملل متحد است. از این‌رو شورای امنیت، خصوصاً اعضای دائم آن، خود باید در چارچوب حقوق بین‌الملل، از جمله منشور ملل متحد عمل کنند تا از شائبه برخوردهای متفاوت و خروج از حق و عدالت و انگیزه‌ها و اهداف سیاسی در اشکال و ضمانت اجرای حقوقی به‌دور باشند؛ امری که به دلیل حاکمیت منطق قدرت در نظام بین‌الملل، از جمله ارگان سیاسی سازمان ملل متحد یعنی شورای امنیت، تا رسیدن به این مطلوب، فاصله بسیاری در پیش دارد و نتیجه آن در رویه نظام مجازات‌های ملل متحد تا کنون، نقصان، عدم کارایی و انتقادات جدی بر مشروعیت چنین تحریم‌هایی به دلیل عدم رعایت یا نقض حقوق بین‌الملل، خصوصاً قواعد حقوق بشری بوده است. ن.ک: فرخ‌سیری؛ همان، صص ۴۸-۵۲؛ مهدی حدادی؛ «تحریم بین‌المللی: ابزار سیاست ملی یا ضمانت اجرایی بین‌المللی»، *مجله اندیشه‌های حقوقی*، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۲، صص ۱۱۵-۱۱۳؛ فریده شایگان؛ «نقش محدودیت زمانی در تحول سیاست سانکسیون‌های غیرنظامی شورای امنیت»، *فصلنامه حقوق*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۷۵-۱۷۱.

۲-۲. ارزیابی اصل تناسب در منطق امروزین وضع تحریم‌های بین‌المللی

امروزه ضرورت احترام به جایگاه اصل تناسب در برقراری تحریم‌های اقتصادی، کمتر تردید می‌شود ولی آن‌چنان که گذشت، رویه قضایی، عملکرد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، وجود تناسب را مهم‌ترین عامل مشروعیت تحریم اقتصادی می‌دانند. این رویکرد را می‌توان به‌عنوان از روزگار جامعه ملل مشاهده کرد. در زمان جامعه ملل، بلژیک و فنلاند، اصل تناسب را به‌صراحت، شرط هر نوع اعمال تحریم در روابط حقوقی بین‌المللی دانسته‌اند.^{۵۳} در همین عصر در قضیه «ترافیک راه‌آهن» میان لیتوانی و لهستان که در سال ۱۹۳۹ در برابر دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی مطرح شد، مسئله تناسب، یکی از نکات کلیدی مطرح شده بود. در این پرونده، لیتوانی از اتخاذ اقدامات ضروری برای برقراری ارتباط راه‌آهن خود با لهستان خودداری کرده بود. لیتوانی این تحریم را پاسخی به اعمال نامشروع لهستان توصیف می‌کرد و درعین حال می‌پذیرفت که در حقوق بین‌الملل در اتخاذ اقدامات تلافی‌جویانه، تناسب، شرط هر اقدامی از این دست است.^{۵۴} ملاحظات دولت‌ها در خصوص ماده ۴۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در سال ۱۹۹۶ بیانگر اجماع آن‌ها در مسئله تناسب است.^{۵۵} برای مثال، آلمان در این خصوص خاطرنشان کرده است که اصل تناسب، اصل عموماً پذیرفته شده است،^{۵۶} یا اتریش در این مورد خاطرنشان کرده است که مسئله تناسب در تحریم‌ها فوق‌العاده مهم است. همین دیدگاه با اندکی تفاوت لفظی از سوی دولت چک ابراز شده است. در این ارتباط، ایالات متحده و ایرلند نیز این اصل را ریشه‌دار در عرف بین‌المللی دانسته‌اند.^{۵۷} دولت‌های فنلاند، نروژ، سوئد و دانمارک در کنار دولت فرانسه، عدم توجه به این اصل را دلیلی بر نامشروع بودن چنین تحریمی دانسته‌اند.^{۵۸}

باین‌حال، جدال در رابطه با محتوای این تحریم‌ها همچنان ادامه دارد و دولت‌های تحریم‌شده به‌رغم تمام آنچه در بالا گفته شد، همچنان اقدامات تحریم‌شده را ناقض حقوق خود می‌دانند. ایران یکی از این دولت‌هاست که به دلیل ظن جدی جامعه بین‌المللی به تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و نقض معاهده گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مورد تحریم‌های سازمان ملل و برخی دولت‌ها^{۵۳} این مسئله در جریان کنفرانسی مطرح شد که برای تدوین حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۲۹ در چارچوب جامعه ملل تشکیل شده بود.

54. PCIJ, Series C, 1939, Railway Traffic Case (*Lithuania v. Poland*), no. 54, pp. 208-345.

در این رأی آمده است که لیتوانی مدعی بود که: «... اقدامات تلافی‌جویانه باید متناسب با شدت زیان وارده باشد».

55. از این رو اقدام متقابل دولت زبان‌دیده به‌منظور واداشتن دولت مسئول فعل متخلفانه به پیروی از تعهداتش، باید وفق مقررات بخش دوم طرح کنوانسیون در خصوص محتوای مسئولیت بین‌المللی دولت و امکان تلاوم اجرای تعهد، ضمن رعایت اصل تناسب (ماده ۵۱) صورت پذیرد. ن.ک:

Crawford, James, *op. cit.*, pp. 284-87 & 294-96.

56. UN. Doc. A/CN.4/488, p. 133.

57. *Ibid.*, p. 134 & 137.

58. *Ibid.*, p. 138.

قرار گرفته است. بسیاری از حقوق‌دانان ایرانی به آثار این تحریم‌ها پرداخته و در نتیجه، آن‌ها را با اهداف مورد نظر جامعه جهانی نامتناسب دانسته‌اند. نشست‌های مختلف علمی در دانشگاه‌های مختلف و اثبات اثرگذاری تحریم‌ها بر حقوق مختلف بشر، مانند حق بهداشت، آموزش، درمان، رفاه اجتماعی و نظایر آن، تنها بخشی از این تلاش‌های گسترده است.^{۵۹} با این حال، جامعه بین‌الملل، همچنان بر منطق خود در خصوص متناسب بودن تحریم‌ها اصرار می‌ورزد. پاسخ دولت‌های غربی، کوتاه ولی قاطع بود: تهدید هسته‌ای ایران، آن‌چنان خطرناک است که نقض دسته‌ای از حقوق انسانی در برابر تحریم‌ها، اقدام متناسبی به شمار می‌رود. این رویکرد در رویه قضایی بزرگ‌ترین دیوان دادگستری جهانی، یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز سابقه‌ای قابل‌اعتنا دارد. در سال ۱۹۹۶ و در رأی مشورتی مربوط به مشروعیت تهدید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و به رغم تمام ملاحظات انسانی، قضات عالی‌رتبه جامعه جهانی نتوانستند به طور قاطع، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را در برابر شرایط فوق‌العاده دفاع مشروع، ممنوع اعلام کنند.^{۶۰} مسئله‌ای که در آن زمان، برخورد آرمان‌های انسانی و محدودیت‌های حقوق موضوعه اعلام شد،^{۶۱} امروز هم در قالب بحث تناسب، خود را نشان می‌دهد. با این حال، برخورد دوگانه جامعه بین‌المللی در برابر پرونده هسته‌ای ایران و پرونده‌های مشابه می‌تواند حقانیت و مشروعیت این رویکرد را زیر سؤال ببرد. بسیاری از ناظران در این مورد سؤال می‌کنند که چگونه است که در برابر ایران که هرگونه دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را عملی مغایر با اسلام و اخلاق بشری می‌داند،^{۶۲} باید دست به این اقدامات سختگیرانه زد، ولی در برابر پرونده‌ای مانند کره شمالی - به رغم دستیابی علنی این کشور به سلاح اتمی - با مامشات برخورد کرد؟^{۶۳} آیا این برخوردهای دوگانه، حقیقت رعایت «اصل تناسب» را در این پرونده‌ها با چالش جدی روبه‌رو نمی‌کند؟

۵۹. برای نمونه می‌توان به نشست «تحریم‌های بین‌المللی و آثار حقوقی آن» در آذر ۱۳۹۱ در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، نشست «تحریم‌ها و حقوق بین‌الملل» در آبان همان سال در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و همایش «تحریم و حقوق بشر» در آذر ۱۳۹۳ در دانشگاه مفید قم اشاره کرد. کتب و مقالات متعددی هم در زمینه ابعاد مختلف تحریم‌های اقتصادی از جنبه‌های مختلف، خصوصاً در ارتباط با حقوق بشر وضع شده که از جمله می‌توان به کتب، مقالات و گزارش‌های متعدد و ارزشمند منتشره از سوی مؤسسه تدبیر اقتصاد، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ایران، اتاق بازرگانی ایران و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی مرتبط، در راستای غنابخشیدن به این موضوع اشاره کرد.

60. ICJ Rep Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion 1996, p. 267.

۶۱. برای ملاحظه محدودیت‌های حقوقی دیوان در این پرونده، برای مثال به نظر مستقل قاضی بجاوی، ن.ک: نظر مشورتی پیش‌گفته. (به‌ویژه پاراگراف ۱۰ و ۲۴).

۶۲. در مورد رویکرد رسمی دولت ایران در مورد استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و فتوای تحریم استفاده از این سلاح توسط عالی‌ترین مقام رسمی این کشور، ن.ک:

-Pilat, F. Joseph & Nathan E. Busch, *Routledge Handbook of Nuclear Proliferation and Policy*, Routledge, 2015, p. 50.

۶۳. در مورد تهدید کره شمالی و پاسخ ناکارآمد ایالات متحده و جامعه جهانی، ن.ک:

-Tan, Er-Win, *The US versus the North Korean Nuclear Threat: Mitigating the Nuclear Security Dilemma*, Routledge, 2013, pp. 70-73.

همین مسئله در مورد دو کشور هند و پاکستان نیز قابل ذکر است. در حالی که این دو کشور برخلاف تعهدات بین‌المللی خود، در دهه ۱۹۹۰ علناً اعلام کرده‌اند که به سلاح هسته‌ای دست یافته‌اند، جامعه بین‌المللی و ایالات متحده، تحریم‌های محدود و نمادینی را علیه این دو کشور وضع کرد و پس از مدتی به همین تحریم‌های نمادین نیز خاتمه داد؛^{۶۴} حال آنکه بر همگان مسلم است تا چه حد، انجام آزمایش‌های هسته‌ای در منطقه جنوب آسیا می‌تواند امنیت و ثبات را در جهان تهدید کند. ولی در مورد پرونده هسته‌ای ایران، جدال و وضع تحریم تا دوازده سال ادامه داشت و به نام «تهدید صلح و امنیت بین‌المللی» تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع می‌شد. این تناقض‌ها، اگرچه از لحاظ سیاسی می‌تواند قابل توجیه باشد، از حیث حقوقی بسیار تأسف‌آور است و قبل از هر چیز ناقض اصل تناسب در برخورد با پرونده‌های مشابه است؛ امری که می‌تواند پایه‌های نظام حقوقی مبتنی بر قانون را تضعیف کند و وضع را به اصول قانون جنگل نزدیک کند؛ قانونی که در آن، قوی‌تر همیشه پیروز است و از قواعد شکلی حقوقی تنها به‌عنوان پوششی برای مشروع جلوه‌دادن پیروزی طرف قوی‌تر استفاده می‌شود.

نتیجه

آن‌چنان که گذشت، مفهوم تناسب به معنای ایجاد توازن میان عمل انجام‌گرفته و هدف مشروع، معنایی تثبیت‌شده در حقوق بین‌الملل به خود گرفته است. در این ارتباط، تأکید بر انسانی‌شدن حقوق بین‌الملل و نامشروع‌قلمداد کردن تمامی تحریم‌ها به دلیل تأثیر بر حقوق بشر، برداشتی زود هنگام به نظر می‌رسد. حقیقت آن است که نباید نقض هر نوع حق انسانی در برابر تحریم‌های اقتصادی را با چوب عدم تناسب محکوم کرد. در نظام بین‌الملل امروز، حتی ضروری نبودن تحریم نمی‌تواند بالضروره معیاری برای نامشروع بودن آن باشد. برخی ادعا کرده‌اند که تحریم اقتصادی زمانی متناسب و مشروع خواهد بود که در روابط اقتصادی بین طرفین، با توجه به هدف مورد توجه، ضروری باشد. از نگاه آن‌ها در این حالت است که تحریم اقتصادی می‌تواند در قبال رفتار متخلفانه، واکنش مناسبی به شمار رود.^{۶۵} به نظر می‌رسد این تلازم، نتیجه همراهی است که غالباً بین این دو مفهوم در مثال‌های مختلف وجود دارد. باین حال نمی‌توان این رویکرد را برداشتی صحیح از مفهوم تناسب دانست. مفاهیم ضرورت و تناسب، دو مفهوم جداگانه هستند که برای داشتن تصویری دقیق از موضوع، باید آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد. به‌طور کلی، مفهوم ضرورت را لزوم انجام مجموعه اعمالی دانسته‌اند که لازم است برای رسیدن

64. Carraza, Mario, E, *South Asian Security and International Nuclear Order: Creating a Robust Indian-Pakistani Nuclear Arms Control Regime*, Ashgate Publishing Ltd., 2013, p. 109.

65. Geiss, Robin, "Humanitarian Safeguards in Economic Sanctions Regime", *Harvard Human Rights Journal*, vol. 18, Spring 2005, p. 174.

به هدف خاص دنبال شود، درحالی‌که در تناسب، ارتباط منطقی هدف و ابزار، شرط است حتی اگر تحریم یادشده ضروری نباشد. آیا انسانیت با حقوق تعارض دارد؟ پاسخ به این سؤال، مباحثی خارج از قلمرو حقوق بین‌الملل را طلب می‌کند. درعین‌حال، مفهوم تناسب به‌عنوان عامل محدودکننده اقدامات قهرآمیز اقتصادی علیه دولت‌های جنوب نتوانسته است حداقل رضایت دولت‌های هدف تحریم‌های اقتصادی را جلب کند. تناسب به‌عنوان مفهوم حقوقی که به‌عنوان ابزار ایجاد رابطه منطقی میان اقدام و هدف تعبیر شده است، می‌تواند عامل مهمی برای ایجاد نظام حقوقی معقول و سازمان‌یافته باشد. ولی این صفات به‌خودی‌خود نمی‌تواند تضمینی برای عدالت و عدالت اقتصادی در معنای موردنظر دولت‌های جنوب باشد. درحقیقت، اختلاف شمال و جنوب، اختلافی بر سر تغییر محتوای حقوق است و نه تعیین صحیح محتوای آن. مسلم و واضح است که تعیین معنای دقیق اصل تناسب در چارچوب حقوقی آن نیز نخواهد توانست کمک شایانی به رفع این اختلافات بکند.

به‌هرحال، نباید از اهمیت توجه به محتوای اصل تناسب غافل شد. اهمیت ایجاد نظم سازمان‌یافته و نسبتاً معقول در ایجاد تحریم‌های اقتصادی، مرهون توجه به تناسب ابزارها و اهداف است که هرچند باریک‌اندیشی اهل مدینه فاضله را راضی نمی‌کند، به‌یقین، وسیله‌ای برای بازداشتن درازدستی‌های گرانی است که هنوز زخم بشر از تطاول آن‌ها تازه است. پرونده هسته‌ای ایران و تحریم‌هایی که به‌خاطر صرف ظن دستیابی به سلاح هسته‌ای به این کشور وارد شد، نمونه آشکاری از این تطاول است. در واقع، هیچ‌یک از معانی اصل تناسب را نمی‌توان دلیلی بر متناسب‌بودن تحریم‌های یک‌جانبه دولت‌های غربی یا شورای امنیت توصیف کرد. از یک نگاه، صرف گمان استفاده ایران از انرژی هسته‌ای در مقاصد نظامی را نمی‌توان اقدامی متناسب در معنای تطابق ابزارها و اهداف برشمرد. در این حالت، وضع و ادامه تحریم‌ها نه‌تنها نمی‌تواند ابزاری مؤثر برای جلوگیری از استفاده نظامی ایران شود^{۶۶} (همچنان‌که در مورد کره شمالی، هند و پاکستان نشد)، با حق مسلم ایران در استفاده از انرژی هسته‌ای نیز تناقض پیدا می‌کند. درعین حال، برداشت تحریم به‌عنوان اقدامی ضروری نیز نمی‌تواند توجیهی برای تحریم‌های ظالمانه کشورهای غربی باشد. چگونه می‌توان زبان تحریم را کم‌هزینه‌ترین ابزار برای رسیدن به هدف

۶۶. دقیقاً در زمان همین تحریم‌ها میزان غنی‌سازی اورانیوم تا بیست درصد پیشرفت کرد و اگر طبق موضع مقام رهبری، مانع شرعی در دسترسی به سلاح اتمی وجود نمی‌داشت، این امر تحقق می‌یافت. برای مثال، ایشان در سخنان عید فطر سال ۱۳۹۴ و درست چند روز پس از اعلام توافق هسته‌ای ایران و کشورهای پنج‌به‌علاوه یک اعلام کردند: «امریکایی‌ها می‌گویند که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای خواهند شد، درحالی‌که خوب می‌دانند این مسئله صحت ندارد. ما فتوایی داریم که سلاح هسته‌ای را از نظر دینی به‌موجب شریعت اسلامی حرام می‌داند. بنابراین این مسئله، ارتباطی به مذاکرات هسته‌ای ندارد.» در این مورد، ن.ک:

جلوگیری از ساخت سلاح‌های هسته‌ای دانست؟ آیا ملت ایران که در طول تاریخ خود، همواره با زبان تکریم با جهان سخن گفته است و در مقابل، بیشترین آسیب از تجاوز متجاوزان را متحمل شده است، شایسته تحمل ابعاد مخرب تحریم به نام و عنوان پرطمطراق «ضرورت» است؟ انصاف نمی‌تواند به چنین استنتاجی رهنمون شود. از اینها گذشته، اگر اصل تناسب به معنای توازن نیز تعبیر شود، آن معنا نیز دلیلی بر عدم مشروعیت اقدامات غرب در تحریم ملت ایران به شمار نمی‌رود. در واقع، اگر تناسب، به معنای وجود رابطه‌ای منطقی میان شدت نقض و پاسخ به آن تلقی شود، پرواضح است که ضربه شورای امنیت و دولت‌های غربی، فارغ از این رابطه منطقی بر ملت ایران وارد آمده است. آیا به ظن و گمان استفاده نظامی از انرژی هسته‌ای می‌توان ملتی را از بسیاری از حقوق حقه خود که در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده محروم کرد و آن‌گاه این تحریم‌ها را اقدامی متوازن نامید؟ حقیقت آن است که در زمان تحریم‌ها، ساترفیوژها افزایش و بهبود پیدا کرد و میزان غنی‌شدن اورانیوم تا بیست درصد پیشرفت یافت و اگر موضع رهبری درمورد مانع شرعی دسترسی به بمب اتمی نبود، ساخت این سلاح، دور از دسترس نمی‌بود. پس وضع تحریم‌ها را نمی‌توان وسیله‌ای برای حفظ توازن تعبیر کرد. درحقیقت، بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت در تحریم جمهوری اسلامی ایران نیز نشان می‌دهد که حتی در اعمال تحریم‌ها به محتوای اصل تناسب بی‌اعتنایی شده است.^{۶۷} برای مثال در مقدمه قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت، مبنای اصلی تحریم‌ها، صرف نگرانی این شورا از گزارش مدیرکل آژانس از «احتمال» وجود ابعاد نظامی و ناتوانی آژانس از نبود قطعی «مواد هسته‌ای اعلام‌نشده» ذکر شده است.^{۶۸} در این حال، این ایراد مهم حقوقی مطرح می‌شود که به‌صرف «احتمال»، چگونه می‌توان اقدامات تحریمی وضع کرد که اقتصاد و زندگی افراد عادی را فلج کند. عدم تلاش قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت برای تفکیک آثار تحریم‌های وضع شده علیه ایران در بُعد دولتی و غیردولتی، از جمله نقص‌هایی است که عدم توجه شورا را به مقوله تناسب نشان می‌دهد.^{۶۹}

^{۶۷} در این مورد می‌توان به مقدمه چهار قطعنامه ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ شورای امنیت اشاره کرد که در واقع ستون اصلی قطعنامه‌های ملل متحد در خصوص تحریم‌هاست. در هیچ‌یک از این چهار قطعنامه، مسئله هسته‌ای ایران از صرف «تردید» درمورد استفاده نظامی فراتر نرفته است.

^{۶۸} در قطعنامه شماره ۱۷۳۷ آمده است که:

“... Reiterating its serious concern that the IAEA Director General's report of 27 February 2006 (GOV/2006/15) lists a number of outstanding issues and concerns on Iran's nuclear program, including topics which *could have a military dimension*, and that the IAEA is unable to conclude that there are no undeclared nuclear materials or activities in Iran.” UN Doc., SC/Res. 1737 23 Dec. 2006.

^{۶۹} در همین سیاق می‌توان این ایراد را وارد کرد که به‌رغم بی‌خطر بودن غنی‌سازی در سطح پایین و ابعاد بسیار استفاده صلح‌آمیز از آن، چگونه شورای امنیت در قطعنامه ۱۷۳۷ (بند الف از پاراگراف ۲) ایران را از حق غنی‌سازی منع کرده است و

مقوله دومی که در این قطعنامه‌ها باید بدان توجه کرد این است که حتی در صورت عدم اثبات این صرف احتمال، هیچ راهکاری برای احقاق حق و تضییع حقوق ایران در نظر گرفته نشده است که این خود، نقض غرض از یک اقدام متناسب است. این عدم توجه که می‌توان در رویکرد کنونی آن را نوعی «عدم توازن میان اقدام انجام‌شده و هدف مورد تعقیب» خواند، حتی در قطعنامه پایان‌دادن به قطعنامه‌های تحریمی یعنی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به‌خوبی احساس می‌شود.^{۷۰} در واقع مطابق بند ۲۹ این قطعنامه^{۷۱} تأکید می‌شود که کلیه دولت‌ها باید اقدامات لازم را برای جلوگیری از پذیرش دعوی تحریم که توسط حکومت ایران یا دیگر اشخاص ذی‌ربط برای دریافت خسارت‌های ناشی از عدم اجرای قراردادهای و معاملات در نتیجه تحریم اقامه می‌شود، انجام دهند. وجود چنین مقرره‌ای درحقیقت نقض این اصل حقوقی آشکار است که هیچ خسارتی نباید جبران‌نشده بماند. در واقع، شورای امنیت با وضع این قاعده به‌نوعی از ایجاد توازن میان به‌اصطلاح منافع جامعه جهانی و منافع مشروع دولت ایران به‌نوعی منحرف شده است و مفهوم اول را - با نادیده‌گرفتن اصل تناسب - بدون هیچ دلیلی بر دیگری مرجح دانسته است.

درحقیقت آنچه بیش از هر چیز ذهن حقوق‌دان بین‌المللی را در این رابطه مشغول می‌کند دلیل وجود چنین مقرره‌ای برای بستن راه دادخواهی پس از چندین سال تحریم ناعادلانه و بی‌سبب به شهادت خود واضع آن است. در واقع، از آنجاکه به شهادت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نقضی از طرف دولت ایران رخ نداده^{۷۲} و تنها مسئله، روشن کردن ابعاد مبهم پرونده هسته‌ای ایران است، چگونه می‌توان این مقدار بار را بر ملتی تحمیل کرد و نام توازن بر آن نهاد. عدم رعایت اصل تناسب در پرونده هسته‌ای ایران را در تمامی معانی پیش‌گفته، باید دلیلی بر عدم مشروعیت این اقدامات ظالمانه دانست که به نام امنیت جامعه جهانی، بیش از یک دهه، حقوق انسانی ملت ایران را به بازی گرفته و از رکن اساسی عدالت یعنی تناسب، پروایی به خود راه نمی‌دهد.

در قطعنامه‌های بعد آن را تثبیت کرده است. آیا نباید این اقدام شورای امنیت را نامتوازن با هدف وضع چنین مقرره کلی دانست و در نتیجه آن را نقض اصل تناسب دانست؟

70. UN Doc., SC/Res 2231 20 July 2015.

71. "Emphasizes the importance of all States taking the necessary measures to ensure that no claim shall lie at the instance of the Government of Iran, or any person or entity in Iran, or of persons or entities designated pursuant to resolution 1737 (2006) and related resolutions, or any person claiming through or for the benefit of any such person or entity, in connection with any contract or other transaction where its performance was prevented by reason of application of the provisions of resolutions 1737 (2006), 1747 (2007), 1803 (2008), 1929 (2010) and this resolution." UN Doc., SC/Res 2231 20 July 2015 art. 29.

72. در آخرین گزارشی که تا زمان نگارش این سطور درمورد ابعاد احتمالی نظامی اقدامات هسته‌ای ایران توسط آژانس

منتشر شده است، این نکته تأیید شده است که «دلیل معتبری بر اقدامات نظامی هسته‌ای ایران» وجود ندارد. ن.ک:

IAEA issues final assessment on 'possible military dimensions' of Iran's nuclear programme, available in: <http://thediplomat.com/2015/12/iaea-issues-final-assessment-on-possible-military>. Date 1394/9/20.

منابع:

الف) فارسی

- کتاب

- اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، میزان، ۱۳۸۲.
- مرادی برلیان، مهدی؛ اصل تناسب در نظام حقوقی اتحادیه اروپایی با نگاهی به آرای دیوان عدالت اداری ایران، خرسندی، ۱۳۹۲.

- مقاله

- حبیبی، همایون و صالحه رضانی؛ «استفاده از سپر انسانی به مثابه جنایت جنگی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۶، نیمسال دوم ۱۳۹۳.
- حدادی، مهدی؛ «تحریم بین‌المللی: ابزار سیاست ملی یا ضمانت اجرایی بین‌المللی»، مجله اندیشه‌های حقوقی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۲.
- راعی دهقی، مسعود؛ «اقدام متقابل و حقوق بین‌الملل»، مجله معرفت، شماره ۱۶۵، ۱۳۹۰.
- شایگان، فریده؛ «نقش محدودیت زمانی در تحول سیاست سانکسیون‌های غیرنظامی شورای امنیت»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸.
- شریفی خضارتی، امیر؛ «ضرورت یا اضطرار در حقوق جزای اسلام»، مجله دادگستر، شماره ۳۴، خرداد و تیر ۱۳۸۸.
- فرخ‌سیری، منصور؛ «محدودیت حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۹، ۱۳۸۷.
- کوشا، جعفر؛ «اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۷، ۱۳۹۰.
- ممتاز، جمشید؛ «انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، فصلنامه حقوق، شماره ۴، ۱۳۸۷.
- منظور، داوود و منوچهر مصطفی‌پور؛ «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۲، ۱۳۹۲.

ب) انگلیسی

- Books

- Carraza, Mario, E, *South Asian Security and International Nuclear*

Order: Creating a Robust Indian-Pakistani Nuclear Arms Control Regime, Ashgate Publishing Ltd., 2013.

- Cortight, O. & Lopez, G. A., *The Sanctions Decade: Assessing U.N. Sanctions in the 1990s*, London: Blouder, 2000.
- Crawford, James, *The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries*, London: Cambridge University Press, 2002.
- Focarelli, Carlo, *International Law as Social Construct: The Struggle for Global Justice*, London: Oxford University Press, 2012.
- Elagab, O. Y., *The Legality of Non-Forceable Counter-Measure in International Law*, Oxford, 1988.
- Gilbert, Goeff, *Responding to International Crime*, Leiden, Martinus Nijhoff, 2006.
- Meghan L. O'Sullivan, *Shrewd Sanctions*, Brooking Institutions Press, Washington D. C., 2003.
- Tan, Er-Win, *The US versus the North Korean Nuclear Threat: Mitigating the Nuclear Security Dilemma*, Routledge, 2013.
- Tom, Ruys, *Armed Attack and Article 51 of the UN Charter*, London: Cambridge University Press, 2010.
- R. Kolb, *La bonne foi en droit international public*, PUF Paris, 2000.
- Pilat, F. Joseph & Nathan E. Busch, *Routledge Handbook of Nuclear Proliferation and Policy*, Routledge, 2015.
- Shaw, N. Malcom, *International Law*, London, 6th edition, 2008.
- Weller, Marc, *The Oxford Handbook of the Use of Force in International Law*, Oxford University Press, 2015.

- Articles

- Abi-Saab, G., "The Concept of Sanction in International Law", in: *United Nations Sanctions and International Law*, Vera Gowll and Debbas, Kluwer Law International, 2001.
- David, Kretzmer, "The Inherent Right to Self-Defense and Proportionality in Jus Ad Bellum", *European Journal of International Law*, 2013, vol. 24, no. 1.
- E. D., Brown, "The Lessons of the Torrey Canyon, International Aspects", *Current Legal Problems*, 1968, vol. 21.
- Ernst, Fehr & Bettina Rockenbach, "Detrimental Effects of Sanctions on Human Altruism", *Nature* 422, March 2003.
- Geiss, Robin, "Humanitarian Safeguards in Economic Sanctions Regime", *Harvard Human Rights Journal*, vol. 18, Spring 2005.
- Herdegen, M., "The Relationship between the Principles of Equality and Proportionality", *Common Market Law Review*, 1985, vol. 22.

- Hulsroj, Peter, "The Principle of Proportionality", *Spring Briefs in Law*, 2013, available in: <http://springer.com/series/10164>.
- Mitchell, C. F., "Does One Illegality Merit Another? The Law of Belligerent Reprisals in International Law", *Military Law Review*, vol. 3, 2001.

- Cases & Documents

- CEDH, Series A., no. 2, 1961.
- General Question about Sanctions, S/PV. 4128, 17 April 2000.
- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, in: *Yearbook of International Law Commission*, 2001, vol. II.
- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, adopted in fifty-third session of the International Law Commission, (A/56/10) 2001, Boleslaw A. Boczek, *International Law: A Dictionary*, Scarecrow Press Inc., 2005.
- IAEA Issues Final Assessment on "Possible Military Dimensions" of Iran's Nuclear Programme.
- ICJ Report, Gabčíkovo-Nagymaros Project (*Hungry v. Slovakia*), 1997.
- ICJ Report, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion 1996.
- PCIJ, Series C, 1939, Railway Traffic Case (*Lithuania v. Poland*), no. 54.
- Recueil des sentences arbitrales, vol. II & XVIII.
- UN Doc., A/CN.4/469.
- UN Doc., A/CN.4/488.
- UN Doc., A/CN.4/507/Add.3.
- UN Doc., SC/Res 1737 23 Dec 2006.
- UN Doc., SC/Res 2231 20 July 2015
- WT/DS46/ARB (28 August 2000)

- Websites

- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30331>. Date 1394/4/28.
- <http://thediplomat.com/2015/12iaea-issues-final-assessment-on-possible-military>. Date 1394/9/20.